



بدون پذیرش مردم، ظهور منجی ثمری نخواهد داشت/زمینه اجتماعی انتظار

حکومت جهانی در صورتی امکان خواهد داشت که مردم آماده‌ی بهره‌گیری از این هدایت‌الهی باشند، و در صورتی که چنین زمینه مساعدی در اجتماع وجود نداشته باشد ظهور ثمری نخواهد داشت.

حکومت جهانی در صورتی و امکان و خواهد داشت و که و مردم و آماده و ی بهره و گیری و از این و هدایت و الهی و باشند، و در صورتی و که و چنین و زمینه و مساعدی و در اجتماع و وجود نداشته باشد ظهور ثمری و نخواهد داشت.

خبرگزاری مهر، : سرنوشت و هر جامعه و ای و بسته و به و رویکرد و اراده و ی و آن و جامعه و باشد، بدین و معنا که و اراده و ی و جمعی و مردم و سبب پدید آمدن زمینه و ها و بسترهایی و می و شود که و این و زمینه و ها فضای و متناسب و با خود را به و دنبال و می و آورند و در نتیجه، سرنوشت و جامعه و به و گونه و ای و رقم و می و خورد که و فضای و حاکم و بر جامعه و مقتضی و آن و است و از آن و جا که و لازمه و ی و هر قانونی، قابلیت و تکرار آن و است، بدین و معنی و که و هرگاه و سبب و محقق و شود، اقتضای و قانون، آن و است و که و مسبب و نتیجه و نیز تحقق و یابد، در می و یابیم و که و اگر انسان و های و صالح و پاک و سیرت و به و دنبال برقراری و حکومت و جهانی و عدل و گستری و هستند که و ریشه و ی و هر گونه و ظلم و ستم و را برکنند و پرچم و زیبای و ولایت و الله و را در سراسر گیتی و به و اهتزاز درآورد، باید در نخستین و گام و زمینه و های و اجتماعی و لازم و را فراهم و سازند؛ چرا که و آخرین و پیشوای و الهی انسان و ها، به و منظور هدایت و مردم و به و سر منزل و و کمال و مطلوب، زمام و چنین و حکومت جهانی و را به و دست و می و گیرد، و این و امر در صورتی و امکان و خواهد داشت و که و مردم و آماده و ی و بهره و گیری و از این و هدایت و الهی و باشند، و در صورتی و که و چنین و زمینه و مساعدی و در اجتماع و وجود نداشته باشد و مردم و در مقام پذیرش دستورهای و هدایت و کننده و ی و آن و امام همام و نباشند، ظهور پیشوای و آسمانی و منجی و امت و ها در میان و چنین و مردمی، ثمری و نخواهد داشت، همان و طور که و وجود حضرت و علی و (علیه و السلام) در میان مردم و زمان و خود، بدون و وجود زمینه و ی و مساعد برای و بهره و گیری و از هدایت و های و آن و حضرت، نتیجه و ای و به و دنبال و نداشت.

و در برخی و از روایات، با زبان خبر از آینده، به و این و زمینه و سازی و اشاره و شده و است. از جمله و ی و آن و ها حدیثی و است و از رسول و خدا (صلی و الله علیه و آله و سلم) که و در آن و چنین و آمده:

يَخْرُجُ أَنَسٌ مِّنَ الْمَشْرِقِ، فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي وَصِيَّ السَّلَاطَنَةِ (۱)

از مشرق و زمین، مردمانی و خروج و می و کنند و زمینه و ساز حاکمیت و مهدی و موعود (علیه و السلام) می و گردند.

و همان و طور که و ملاحظه و می و شود، پیام و آور خدا با این و بیان و نورانی، در ضمن خبر از آینده، ظهور مهدی و موعود (علیه و السلام) را مترتب و فراهم و بودن و زمینه و های و لازم و جهت و حکومت و و سلطه و ی و آن و حضرت و بر گره و ی و خاکی و می و داند و این و در حالی و است و که و هر انقلاب و حکومتی و که و برای و هدفی و معین و برپا می و شود، در صورتی و امکان پیروزی و دارد که و زمینه و ی و

آن و از هر جهت و فراهم و باشد و اوضاع و به و طور کامل و آماده و و مهیا باشد.

یکی و از عوامل و زمینه و های و مهم و پیروزی، آن و است و که و عموم و ملت، خواهان و آن و حکومت و باشند و اراده و ی و جمع و ایشان و بر تأیید و پشتیبانی و آن و قرار گرفته و باشد، و از آن و جا که و حکومت و حضرت و مهدی و (علیه و السلام) یک و حکومت و جهانی و است، به و تبع، مساعد بودن زمینه و ی و عمومی و جهان و را نیز می و طلبد.

در ادامه، به و برخی و از نشانه و های و فراهم و آمدن و این و زمینه، که در واقع مراحل مختلف ایجاد زمینه اجتماعی و هستند، اشاره و می و کنیم:

محبوبیت اجتماعی

در دوران و پیش و از ظهور و یاس، سایه و ی و سیاه و خویش و را بر وجود بشریت و می و گستراند، خصیصه و ی و آینده و نگرانی انسان، حس امید را، ناخودآگاه، از دل انسانیت و های و مدفون و می و روپاند و آدمی و را به و دیگری و بشارت و می و دهد.

بی و گمان، نسلی و که و دچار یاس و ها و سرخوردگی و ها است، در پی دیدن روزی و خواهد بود که و تمامی و استعدادها و نهفته و اش و شکوفا شود، و همه و ی و انسان و ها در پهنه و ی و زمین و به و جایگاه و حقیقی و شان و برسند.

تمام تلاش امامان و هدایت و (علیهم و السلام)، در این و جهت و مصروف و می و شده و که و در زمانی و که و یاس از دنیا و حاکمان و آن و بر شیعیان و سطره و پیدا می و کرده، مراقب و باشند تا نه و تنها این و ناامیدی و به و ناحیه و ی و رحمت و الهی و سرایت و نکند، بلکه و چراغ و امید به و کارسازی و و فرج و و گشایش و امور از جانب و پروردگار متعال و را در دل و پیروان و شان و فروزان و تر کنند. در روایتی و از امام و هشتم و (علیه و السلام) چنین و رسیده:

ما احسن و الصبر، و انتظار الفرج... فعلیکم و بالصبر؛ فإِنَّه و إِنَّمَا یَجِیءُ الفرج و علی و الیاس...؛ (۲) چه و نیکو است و صبر و انتظار گشایش و امور را کشیدن... پس و شما است و که و صبر پیشه و کنید؛ به و درستی و که و فرج، آن و گاه و می و آید که و ناامیدی و فراگیر گشته و باشد.

در فضای و مالا مال و از یاس و ناامیدی و سرخوردگی و انسان و ها، آشنایی و با آینده و ی و سبز و پر نشاط و از مجرای و بشارت و ها و پیش و بینی و های و قطعی و و تخلف و ناپذیر انبیا و اولیای و الهی، آدمی و را در پی و رسیدن و به و منجی و و مصلحی و حقیقی و می و دارد. این و حالت، در مرحله و ی و نخست، و تمایلی و؛ اما با شناخت و پیش و نسبت و به و اوصاف و متعالی و و آرمانی و آن و مصلح موعود و حکومت و اش، در کنار رویارویی و با واقعیت و های و وحشت و ناک و و تلخ و نابه و هنجار عصر پیش و از ظهور، رفته و رفته و به و محبت و دوست داشتن و رکن و اصلی و آن و حکومت و اصلاح و گر، یعنی و قائد و رهبر نهضت، مبدل و می و شود. این و جا است و که و این و سخن و در جای و گاه و معنا و مفهوم و واقعی و خویش و قرار می و گیرد:

لَا یُخْرِجُ إِلَّا هُوَ؛ حَتَّى و لَا یُکُونُ إِلَّا هُوَ؛ غَائِبٌ أَحَبُّ إِلَی النَّاسِ؛ مِنْه، مِمَّا یَلْقَوْنَ؛ مِنْ و الشر و)؛ به و درستی و که و مهدی و موعود

(علیه&zwj&السلام) [قیام&zwj&نمی&zwj&کند تا زمانی&zwj&که&zwj&هیچ&zwj&غایبی&zwj&نزد مردم&zwj&محبوب&zwj&تر از وی&zwj&نیاشد. و این&zwj&به&zwj&خاطر شرارت&zwj&ها و ناروایی&zwj&های&zwj&است&zwj&که&zwj&مردم&zwj&دیده&zwj&اند.

&zwj&اهمیت&zwj&عنصر محبوبیت&zwj&اجتماعی&zwj&تا به&zwj&آن&zwj&جا است&zwj&که&zwj&وقتی&zwj&به&zwj&تاریخ&zwj&می&نگریم، هیچ&zwj&حکومتی&zwj&را نمی&zwj&یابیم&zwj&که&zwj&گفته&zwj&باشد:

متکی&zwj&بر ستم&zwj&و سرکوب، بر مردم&zwj&اعمال&zwj&حاکمیت&zwj&می&zwj&کند.

&zwj&محبوبیت&zwj&اجتماعی&zwj&که&zwj&آمد، به&zwj&دنبال&zwj&خود مقبولیت&zwj&را می&zwj&آورد و با آمدن&zwj&مقبولیت، مردم، ملت‌میسانه، حاکم&zwj&را بر اعمال&zwj&حکومت&zwj&بر خویش&zwj&دعوت&zwj&می&کنند. نمونه&zwj&ی&zwj&بارز این&zwj&مطلب&zwj&را در ماجرای&zwj&بیعت&zwj&مردم&zwj&با حضرت&zwj&علی&zwj&(علیه&zwj&السلام)، مشاهده&zwj&می&کنیم. (۴) البته، متون&zwj&رسیده&zwj&درباره&zwj&ی&zwj&نحوه&zwj&ی&zwj&بیعت&zwj&مردم&zwj&با حضرت&zwj&مهدی&zwj&(علیه&zwj&السلام) نیز خالی&zwj&از این&zwj&معنا نیست. (۵)

&zwj&به&zwj&خاطر فراهم&zwj&بودن&zwj&همین&zwj&زمینه&zwj&ی&zwj&اجتماعی مناسب، وقتی&zwj&امام&zwj&عصر (علیه&zwj&السلام) ظهور می&zwj&کند، مردم، با تمام&zwj&خوش&zwj&حالی&zwj&و در نهایت&zwj&احترام، از آن&zwj&حضرت&zwj&استقبال&zwj&می&کنند. مرحوم&zwj&سید بن&zwj&طاووس، رحمه&zwj&الله، در نقلی&zwj&چنین&zwj&آورده:

لا یخرج&zwj&المهدی حتی&zwj&یُقتل&zwj&النفیس الزکیّه. فإذا قُتِلَ النفسُ الزکیّه&zwj&غضب&zwj&علیهم&zwj&اهل&zwj&السماء و اهل&zwj&الارض، فأتی الناسُ المهدی و رفوها إلیه&zwj&ما تَرفَ العروس&zwj&إلی زوجها لیله عرسها(۶)؛ حضرت&zwj&مهدی&zwj&(علیه&zwj&السلام) قیام&zwj&نمی&کند؛ زمانی&zwj&که&zwj&نفس&zwj&زکیّه&zwj&به&zwj&شهادت&zwj&می&رسد. پس&zwj&هنگامی&zwj&که&zwj&نفس&zwj&زکیه&zwj&کشته&zwj&شود، اهل&zwj&آسمان&zwj&و زمین، بر قاتلان&zwj&او خشم&zwj&ناک&zwj&می&شوند. در این&zwj&هنگام&zwj&است&zwj&که&zwj&مردم، گرد مهدی&zwj&(علیه&zwj&السلام) جمع&zwj&می&شوند، و او را همانند عروسی&zwj&که&zwj&شب&zwj&رفاف&zwj&به&zwj&سوی&zwj&خانه&zwj&ی&zwj&شوهر می&zwj&برند، برای&zwj&حکومت&zwj&می&آورند.

&zwj&بی&zwj&گمان&zwj&تعبیر laquo&zwj&رفوها إلیه&zwj&راquo&zwj&حاکمی&zwj&از اشتیاق&zwj&شدید مردم&zwj&به&zwj&حکومت&zwj&حضرت&zwj&مهدی&zwj&(علیه&zwj&السلام) و فراهم&zwj&بودن&zwj&زمینه&zwj&ی&zwj&بسی&zwj&نظیر اجتماعی&zwj&قبل&zwj&از ظهور است&zwj&که&zwj&به&zwj&هنگام&zwj&ظهور، این&zwj&گونه&zwj&از حکومت&zwj&آن&zwj&حضرت&zwj&استقبال&zwj&می&شود. و همانطور که&zwj&از متن&zwj&روایت&zwj&ظاهر است&zwj&این&zwj&زمینه&zwj&ی&zwj&اجتماعی&zwj&پس&zwj&از بروز ظلمی&zwj&آشکار که&zwj&در قالب&zwj&شهادت&zwj&نفس&zwj&زکیه&zwj&پدید آمده، در جامعه&zwj&ایجاد می&zwj&گردد، بر همین&zwj&اساس&zwj&می&توان&zwj&علت&zwj&رویکرد مردم&zwj&به&zwj&حکومت&zwj&مهدوی&zwj&را در ادامه&zwj&سرخوردگی&zwj&ایشان&zwj&از ظلم&zwj&و فساد دیگران&zwj&ارزیابی&zwj&کرد.

مرور روایاتی&zwj&که&zwj&در این&zwj&باره&zwj&وارد شده&zwj&اند به&zwj&ما می&zwj&نمایاند که&zwj&عنصر محبوبیت، در بستر سازی&zwj&برای&zwj&حکومت&zwj&حضرت&zwj&مهدی&zwj&(علیه&zwj&السلام)، از جایگاه&zwj&ویژه&zwj&ای&zwj&برخوردار است. در بیانی&zwj&از قتاده&zwj&چنین&zwj&رسیده&zwj&است:

المهدی خیر الناس... محبوبٌ فی الخلائق... (۷)؛ حضرت&zwj&مهدی&zwj&(علیه&zwj&السلام)

بهترین‌مردم‌است... او، محبوب‌نزد خلائق‌است.

‌در تعبیر دیگری‌از اهل‌سنت‌این‌طور آمده‌است:

إذا نادى مناد من السماء

«إنا الحق» و في آل محمد

ف عند ذالك يطهر المهدى على و ا ف و ا ه و الناس و
یشربون‌حبه‌فلا يكون‌لهم‌ذكر غيره؛(۸)

هنگامی‌که‌ندا دهنده‌ای‌از آسمان‌فریاد زند:

«إنا الحق» و في آل محمد (صلی‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم) است.

پس‌در آن‌زمان‌مهدی‌ظاهر می‌شود و محبت‌او در
دل‌مردم‌جای‌می‌گیرد به‌طوری‌که‌در یاد هیچ‌کس، غیر او
نخواهد بود.

‌در نقل‌دیگری، مقدار اشتیاق‌مردم‌به‌آن‌حضرت، با
تشبیه‌به‌شدت‌شوق‌و دل‌بستگی‌شتر ماده‌ای‌به‌فرزندش‌بیان شده:

... فیبلغ المؤمنین خروجہ‌فیأتونه‌من كل ارض، یحنون‌الیہ‌كما تحن
الناقة‌الی‌فصیلها...؛(۹)

هنگامی‌که‌خبر خروج‌حضرت‌مهدی‌(علیه‌السلام)
به‌انسان‌های‌مؤمن‌می‌رسد، از هر سرزمینی‌به‌سوی‌او
روانه‌می‌شوند و با اشتیاق‌به‌سوی‌او می‌شتابند، همان‌طور
که‌شتر ماده‌به‌طرف‌فرزند خود می‌رود.

عطش و شیفتگی

‌انسانی‌که‌برای‌رسیدن‌به‌سعادت‌و خوشبختی‌به‌هر
دری‌زده‌و هر راهی‌را پیش رو گرفته‌ولی هر چه‌بیش‌تر تلاش‌کرده،
بسته‌بودن‌درها و بن‌بست‌بودن‌راه‌ها برای‌اش‌یقینی‌تر
گشته‌است، اشتیاق‌به‌برپایی‌حکومت‌منجی‌موعود (علیه‌السلام) در
وجودش‌شعله‌ورتر می‌شود. تداوم‌این‌حالت، روح‌آدمی‌را
به‌مرحله‌ای‌جدید می‌رساند که‌آن، عطش‌و شیفتگی‌است. اگر در
جامعه‌ی‌بشری، این‌عطش‌پدید آید، مرحله‌ای‌مهم‌از
زمینه‌های‌اجتماعی ظهور، فراهم‌شده‌است. شاید بتوان‌سبب‌تکرار
جمله‌ی‌«لا یملا الارض» و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً

را در همین‌نکته‌دانست؛ چرا که‌بشر، از روزی‌که‌پا
به‌عرصه‌ی‌زمین‌گذاشته‌و در پرتو زندگی‌اجتماعی‌خود،
برای‌پیشبرد اهداف‌انسانی‌خویش، سر به‌فرمان‌حاکمان‌و
زامداران‌نهاد‌است، امیدوار بوده‌که‌این‌حاکمان زورمند جلو تعديت‌را بگیرند
و جامعه‌ای‌صالح‌و به‌دور از هر گونه‌ظلم‌و ستم پیدا و پنهان‌بسازند،
اما نه‌تنها به‌این‌خواست‌ی‌برخاسته‌از عمق جان خویش‌نرسیده،
بلکه‌روز به‌روز شاهد گسترش‌ظلم‌

و ستم و های و گوناگونی و بوده و است. از این و رو، هر گاه و که و با پدیده و ی و ناروایی و روبه و رو می و شود، از اعماق و وجود آرزوی و درک و روزگاری و را می و کند که و با روی و کار آمدن و مردی و الهی، روح عدالت و در کالبد جامعه و ی و بشری و دمیده و شود. این، همان و زمینه و ی و مساعده و بستن مناسب و برای و پذیرش و حکومت و جهانی و حضرت و مهدی و موعود (علیه و السلام) است که و باید در وجود تمامی و جامعه و ی و بشری و رسوخ و کند.

هر چند که و روبه و رو شدن با پدیده و ی و نابهنجار ظلم و جور، انسان و را از سویی و آزرده و خاطر و رنجور می و کند، اما از سوی و دیگر، نور امید و عطش و زندگی و در آینده و ای و حتمی و موعود که و اثری و از ظلم و جور نخواهد داشت و را در دل و او فروزان و می و کند و همین و امر سبب و می و شود تا لحظه و به و لحظه، محبت و دوستی و انس و با حضرت و مهدی و (علیه و السلام) و حکومت و او در جان آدمی و شدت و یابد، و رفته و رفته و این و شدت و به و عطش و و شیفتگی و مبدل و شود.

و از حدیفه، درباره و ی و وضعیت و جامعه و ی و بشری و در هنگام و قیام و حضرت و مهدی و (علیه و السلام) چنین و رسیده

... لا یرج و حتی و لا یكون و غایب و احب الی و الناس و مینه و میما یلقون و من و الشر؛ (۱۰)

به و درستی و که و [مهدی و موعود (علیه و السلام)] قیام و نمی و کند تا زمانی و که و هیچ و غایبی و نزد مردم و محبوب و تر از وی و نباشد، و این و به و خاطر و شرا و ها و ناروایی و هایی و است و که و به و مردم و رسیده و است.

اضطراب

و از بررسی و روایات و می و توان و چنین و به و دست و آورد که اضطراب و تبلور فراهم و آمدن همه و ی و آمادگی و ها و زمینه و ها است. انسان مضطر، دنیا را باتمام و وسعت و اش، تنگ و احساس و می و کند و زرق و برق فریبنده و ی و ظاهر قدرت و های و شیطانی، او را غافل و نمی و کند. بر عکس، انسان و هایی و که و زندگی و در کاخ و های و سر به و فلک و کشیده و بهره و مندی و از مال و منال و فانی و عیش و نوش و زودگذر دنیا، خط و پایان و آرزوهایشان و را ترسیم و کرده و است، کجا به و دنبال و جایگاهی و در کنار مهدی و موعود (علیه و السلام) خواهند بود؟

و انسانی و که و خود را یافت و ارزش و جان و خویش و را بیش و تر از آن و دید که و در چند روزه و ی و دنیا تباه و اش و سازد، قدم و نهادن و در خیمه و ی و محبوب و دل و ها و زندگی و در روزگار شیرین و ظهور را پایان و آرزوهایش و قرار می و دهد و این و حالت، نه و فقط و یک و آرزوی و بی و ریشه، بلکه و فراتر از عطشی و است و که و جان و آدمی و را به و لرزه و در می و آورد و لحظه و به و لحظه و او را در پی و رها شدن و از وضعیت و کنونی و می و دارد.

و در روایتی و ابوسعید خدری و از وجود مقدس و پیامبر گرامی و اسلام (صلی و الله علیه و وآله و سلم) چنین و نقل و می و کند:

تأوی الیه & zwnj; اُمّتُهُ & zwnj; کما تأوی الذحل & zwnj; اِلٰی یعیسویہا (۱۱)؛
 اُمّت & zwnj; حضرت & zwnj; مهدی & zwnj; (علیه & zwnj; السّلام) به & zwnj; سوی & zwnj; او پناه & zwnj; می & zwnj; برند،
 همان & zwnj; طور & zwnj; که & zwnj; زنیور [از ترس & zwnj; دیگران]
 به & zwnj; ملکه & zwnj; ی & zwnj; خویش & zwnj; پناه & zwnj; می & zwnj; برد.

& zwnj; بنا براین، رسیدن جامعه & zwnj; به & zwnj; مرحله & zwnj; ای & zwnj; که & zwnj; در آن،
 همه & zwnj; ی & zwnj; مردم & zwnj; یک & zwnj; دل & zwnj; و یک & zwnj; صدا، خواهان
 حکومت & zwnj; حضرت & zwnj; مهدی (علیه & zwnj; السّلام) باشند و با تمام & zwnj; وجود، اضطراب خویش & zwnj; را
 به & zwnj; حضرت & zwnj; اش & zwnj; فریاد زند و آماده & zwnj; ی & zwnj; یاری & zwnj; و جانبازی & zwnj; در رکاب & zwnj; او
 برای & zwnj; رسیدن & zwnj; به & zwnj; اهداف & zwnj; والای & zwnj; وی & zwnj; باشند، از
 جمله & zwnj; عواملی & zwnj; است & zwnj; که & zwnj; توقّع & zwnj; ظهور، بدون آن،
 امری & zwnj; است & zwnj; نه & zwnj; چندان & zwnj; نزدیک & zwnj; به & zwnj; واقع.

& zwnj; بر همین & zwnj; اساس & zwnj; است & zwnj; که & zwnj; وجود مبارک & zwnj; اش & zwnj; در
 توقیع & zwnj; شریف & zwnj; چنین & zwnj; می & zwnj; فرماید:

& zwnj; ولو ان اشیاعنا - وَفَقَّهْمُ & zwnj; اللّٰه & zwnj; لِطَاعَتِهِ - علی & zwnj; اجتماع القلوب & zwnj; فی الوفاء بالعهد
 علیهم & zwnj; لَمَا تَأْخُرُ عَنْهُمْ & zwnj; الْيَمْنُ يَلْقَاُنَا، وَلَتَعَجَّلْتُ shy; لهم & zwnj; السَّعَادَةُ بِمَشَاهِدَتِنَا عَلَى
 حق & zwnj; المعرفة & zwnj; وصدقها منهم & zwnj; بنا (۱۲)؛

اگر دل & zwnj; های & zwnj; شیعیان & zwnj; - که & zwnj; خدا بر طاعت & zwnj; خویش & zwnj; موفق & zwnj; شان & zwnj; دارد -
 بر وفای & zwnj; به & zwnj; عهدی & zwnj; که & zwnj; بر آنان & zwnj; بود، متحد و استوار می & zwnj; بود، هرگز یمن & zwnj; دیدار
 [و همنشینی] ما از ایشان & zwnj; به & zwnj; تأخیر نمی & zwnj; افتاد و
 به & zwnj; تحقیق & zwnj; که & zwnj; خوش & zwnj; بختی & zwnj; دیدار ما با معرفتی & zwnj; ثابت & zwnj; و پا برجا
 به & zwnj; سوی & zwnj; آنان & zwnj; روی & zwnj; می & zwnj; آورد.

& zwnj; این، در حالی & zwnj; است & zwnj; که & zwnj; اگر زمینه & zwnj; مردمی & zwnj; مناسب، به & zwnj; وجود نیاید،
 به & zwnj; طور کلی، جامعه، لیاقت & zwnj; و قابلیت & zwnj; بهره & zwnj; مندی & zwnj; از
 این & zwnj; نعمت & zwnj; بس & zwnj; بزرگ & zwnj; الهی & zwnj; را به & zwnj; دست & zwnj; نمی & zwnj; آورد؛ چرا
 که & zwnj; قانون & zwnj; حتمی & zwnj; الهی & zwnj; این & zwnj; گونه & zwnj; استقرار یافته & zwnj; که & zwnj; نعمت & zwnj; و
 رحمت & zwnj; خداوند بر حسب & zwnj; اقتضای & zwnj; محلّ و بر وفق & zwnj; استعداد و متناسب & zwnj; با قابلیت
 دریافت & zwnj; کننده، فرود آید. (۱۳)

ظهور زمامدار عادل و زمامدار عادل و زمامدار عادل (علیه & zwnj; السّلام)،
 بزرگ & zwnj; ترین & zwnj; نعمتی & zwnj; است & zwnj; که & zwnj; تا
 کنون & zwnj; هیچ & zwnj; امتی & zwnj; لیاقت & zwnj; دریافت & zwnj; آن & zwnj; را نداشته & zwnj; و اگر قرار باشد
 که & zwnj; آن & zwnj; حضرت & zwnj; بدون & zwnj; وجود زمینه & zwnj; ی & zwnj; لازم اجتماعی & zwnj; ظهور کند،
 به & zwnj; تحقیق & zwnj; که & zwnj; از مردم & zwnj; همان & zwnj; چیزی & zwnj; را خواهد دید که & zwnj; دیگر
 پیشوایان & zwnj; الهی & zwnj; دیدند و همین & zwnj; مردمی & zwnj; که & zwnj; در صورت & zwnj; ایجاد
 زمینه & zwnj; ی & zwnj; پذیرش حکومت & zwnj; امام & zwnj; زمان (علیه & zwnj; السّلام) از یاران & zwnj; و
 هواداران & zwnj; آن & zwnj; حضرت & zwnj; می & zwnj; شوند، در صورت & zwnj; عدم & zwnj; وجود
 زمینه & zwnj; ی & zwnj; لازم & zwnj; میان & zwnj; شان،
 علیه & zwnj; آن & zwnj; امام & zwnj; همام & zwnj; به & zwnj; مقاومت & zwnj; خواهند خواست!

& zwnj; بنا براین، یکی & zwnj; از مهم & zwnj; ترین & zwnj; زمینه & zwnj; های & zwnj; ظهور
 امام & zwnj; زمان (علیه & zwnj; السّلام)، و بر پایی & zwnj; حکومت & zwnj; عدل & zwnj; جهانی،
 فراهم & zwnj; آمدن & zwnj; بستر اجتماعی & zwnj; لازم & zwnj; است. و در همین & zwnj; راستا، یکی & zwnj; از با
 اهمیّت & zwnj; ترین & zwnj; وظایف & zwnj; انسان & zwnj; های & zwnj; صالحی & zwnj; که & zwnj; در انتظار
 برپایی & zwnj; دولت & zwnj; کریمه & zwnj; ی & zwnj; امام & zwnj; عصر (ارواح التراب & zwnj; مقدمه & zwnj; الفداء) هستند،
 این & zwnj; است & zwnj; که & zwnj; زمینه & zwnj; های & zwnj; اجتماعی & zwnj; لازم & zwnj; برای & zwnj; پذیرش & zwnj; و

درخواست و زنج؛ حکومت و زنج؛ حضرت و زنج؛ مهدی (علیه السلام) را در میان و زنج؛ توده و زنج؛ های و زنج؛ مردم و زنج؛ پدید آورند.

ضرورت وجود یاران

و زنج؛ روشن و زنج؛ است و زنج؛ که و زنج؛ مهم و زنج؛ ترین و زنج؛ وظیفه و زنج؛ ی و زنج؛ دولت و زنج؛ امام و زنج؛ مهدی (علیه السلام) ریشه و زنج؛ کن و زنج؛ کردن و زنج؛ ستم و زنج؛ و ستمگران و زنج؛ از سطح و زنج؛ جامعه و زنج؛ ساختن و زنج؛ جامعه و زنج؛ ای و زنج؛ پاک و زنج؛ و با طراوت و زنج؛ در سراسر کره و زنج؛ ی و زنج؛ زمین و زنج؛ است و زنج؛ روشن و زنج؛ است و زنج؛ که و زنج؛ پاک و زنج؛ سازی و زنج؛ چنین و زنج؛ جامعه و زنج؛ ای و زنج؛ لو و زنج؛ وجود پلیدی و زنج؛ های و زنج؛ ناشی و زنج؛ از دوری و زنج؛ انسان و زنج؛ ها از کرامت و زنج؛ انسانی و زنج؛ خویش، آن و زنج؛ هم و زنج؛ بدون و زنج؛ هیچ و زنج؛ گونه و زنج؛ سستی و زنج؛ و کوتاه و زنج؛ آمدن و زنج؛ در اجرای و زنج؛ دستورهای و زنج؛ حیات و زنج؛ بخش و زنج؛ خدایی، مستلزم درگیری و زنج؛ با پایگاه و زنج؛ های و زنج؛ سلطه و زنج؛ ی و زنج؛ اهریمنی و زنج؛ است و زنج؛ که و زنج؛ منافع و زنج؛ خویش و زنج؛ را فقط و زنج؛ در دل سیاه و زنج؛ جامعه و زنج؛ ی و زنج؛ دور از اولیای و زنج؛ خدا یافته اند.

و زنج؛ اصلاح چنین و زنج؛ جامعه و زنج؛ ای و زنج؛ که و زنج؛ لبریز از بیدادگری و زنج؛ فساد است، کاری و زنج؛ بس و زنج؛ دشوار خواهد بود؛ زیرا، همان و زنج؛ طور که و زنج؛ گذشته و زنج؛ بدان و زنج؛ اشاره و زنج؛ شد، و زنج؛ امام و زنج؛ (علیه السلام) برنامه و زنج؛ های و زنج؛ خود را از راه و زنج؛ های و زنج؛ عادی و زنج؛ و در چهارچوب و زنج؛ ملاک و زنج؛ ها و قانون و زنج؛ های و زنج؛ طبیعی و زنج؛ به اجرا درمی آورد که و زنج؛ یکی و زنج؛ از آن و زنج؛ ها پیشرفت و زنج؛ دین و زنج؛ و آیین و زنج؛ خدا از طریق و زنج؛ یاری و زنج؛ بندگان و زنج؛ صالح و زنج؛ است.

و زنج؛ از سویی، اداره و زنج؛ ی و زنج؛ جامعه و زنج؛ ای و زنج؛ رهیده و زنج؛ از بندهای و زنج؛ بردگی و زنج؛ شیطان و زنج؛ پرستان، آن و زنج؛ هم و زنج؛ به و زنج؛ گستردگی و زنج؛ تمام و زنج؛ زمین، دولتی و زنج؛ قوی و زنج؛ و کارآمد می و زنج؛ طلبد، دولتی و زنج؛ که و زنج؛ از یاران و زنج؛ و دست و زنج؛ یارانی و زنج؛ ویژه و زنج؛ تشکیل شده باشد، یاورانی و زنج؛ که و زنج؛ از هر جهت و زنج؛ شایستگی و زنج؛ های و زنج؛ لازم و زنج؛ برای و زنج؛ تحمل و زنج؛ مبارزات و زنج؛ طاقت و زنج؛ فرسای و زنج؛ اولیه و زنج؛ و سختی و زنج؛ های و زنج؛ اداره و زنج؛ ی و زنج؛ جامعه و زنج؛ ی و زنج؛ پس و زنج؛ از ظهور را داشته و زنج؛ باشند تا در کنار ایشان، ناهمواری و زنج؛ ها، هموار گردد و آن و زنج؛ رهبر یگانه و زنج؛ از بیابان و زنج؛ غربت و زنج؛ تنهایی و زنج؛ رها شود و زمین و زنج؛ را لبریز از عدل و زنج؛ داد کند.

و زنج؛ این، مطلبی و زنج؛ است و زنج؛ که و زنج؛ علاوه و زنج؛ بر، برخورداری و زنج؛ از پشتوانه و زنج؛ ی و زنج؛ عقلی، در برخی و زنج؛ از روایات و زنج؛ هم و زنج؛ مورد اشاره و زنج؛ قرار گرفته و زنج؛ است. فضیل و زنج؛ بن و زنج؛ یساراز امام و زنج؛ صادق و زنج؛ (علیه السلام) نقل و زنج؛ می و زنج؛ کند که و زنج؛ درباره و زنج؛ حضرت و زنج؛ مهدی (علیه السلام) فرمود:

له و زنج؛ کنز بالطاقان و زنج؛ ما هو بذهب و زنج؛ ولا فضة... و رجالاً کأن قلوبهم و زنج؛ زیر الحدید... بهم و زنج؛ ینصر الله إمام الحق؛ (۱۴) برای و زنج؛ حضرت و زنج؛ مهدی (علیه السلام) گنجی و زنج؛ است و زنج؛ در طالقان و زنج؛ که و زنج؛ از جنس و زنج؛ طلا و زنج؛ نقره و زنج؛ نیست... مردانی و زنج؛ هستند که و زنج؛ استواری و زنج؛ دل و زنج؛ هایشان و زنج؛ برای و زنج؛ دین و زنج؛ خدا، همانند آهن و زنج؛ است... خداوند متعال، به و زنج؛ دست و زنج؛ ایشان، امام و زنج؛ و پیشوای و زنج؛ حق و زنج؛ یاری و زنج؛ می و زنج؛ کند. (۱۵)

منابع:

۱- عقد الدرر، ص ۱۶۷، باب الخامس؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ۱۳۶۸ - باب خروج المهدی، من کتاب الفتن

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ج ۷ و ...

۳- عقد الدرر، ص ۹۴

۴- مراجعه شود به خطبه ۳ (شقشقیه)، نهج البلاغه

۵- عقد الدرر، ص ۹۶ و ص ۱۴۲، باب الرابع؛ سنن الدانی، ابو عمرو الدانی؛ لوحه ۸۵ و ۹۵

۶- ملاحم وفتن، سید بن طاووس؛ باب ۶۳، ص ۱۳۹؛ معجم احادیث الإمام المهدی (علیه السلام)، ج ۱، ص ۴۷۸، ح ۳۱۹ با کمی تفاوت

۷- عقد الدرر، ص ۲۰۲

۸- همان مدرک، ص ۸۳

۹- همان مدرک، ص ۱۱۳، باب ۴

۱۰- عقد الدرر، ص ۹۴

۱۱- معجم الملاحم والفتن، ج ۴، ص ۳۵۲ (به نقل از الملاحم، سید بن طاووس، ص ۷۰، باب ۱۴۶ مهر بیکران، ص ۵۱

۱۲- احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص - بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷

۱۳- انزل من السماء ماء فسال أودیه یقدرها رعد/ ۱۷

۱۴- بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۶، ح ۸۲، ص ۳۰۷ & ۳۰۸; ndash;

۱۵- مقدمات ظهور، سیدمجتبی فلاح بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج)، فصل زمینه های اجتماعی و دولت حضرت مهدی (عج)